

نگاهی به فعالیت های شعبان جعفری پس از کودتا

۱۵ خرداد ۱۳۹۶ ساعت ۱۶:۰۸

شاید دریافت امتیاز تأسیس باشگاهی ورزشی که ساخت آن حدود سه سال طول کشید و شاه شخصاً در مراسم افتتاح آن حضور داشت، به خوبی بیانگر رابطه دربار و جعفری باشد.

کافه تاریخ- مقالات

شعبان جعفری معروف به شعبان بی مخ یکی از چهره‌ها و بازیگران اصلی در کودتای ۲۸ مرداد می‌باشد که با تطمیع دربار توانست نقش مهمی در پیروزی کودتا ایفا کند. وی بعد از نقش مؤثر خود در کودتا توانست ضمن دریافت پادشاهی کلان از فرصت و امکانات مناسبی نیز بهره‌مند گردد. البته جعفری نیز تا زمان پیروزی انقلاب به شاه و دربار وفادار مانده و در برخی از جنبشهای مخالف رژیم به حمایت از رژیم پهلوی برخاست که در ادامه به تشریح بیشتر این موضوع پرداخته میشود.

شعبان جعفری که بود؟

شعبان جعفری معروف به شعبان بی‌مخ در سال ۱۳۰۰ در تهران به دنیا آمد. در رابطه با زندگی وی در دوران کودکی و جوانی اطلاعات زیادی موجود نیست و بعضاً برخی او را فردی مذهبی معرفی میکنند که البته با توجه به اقدامات و فعالیتهای وی در طول زندگی و نیز اسناد باقیمانده تردید زیادی در صحت این موضوع وجود دارد. نام جعفری بعد از کودتای ۲۸ مرداد بر سر زبانها افتاد. از این رو اطلاعاتی که در مورد وی موجود است به دوران کودتا و پس از آن بازمیگردد. وی یکی از عوامل و بازیگران مهم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. هر چند بارها منکر نقش خود در کودتا شده است اما بسیاری با استناد به دیدارهای صورت گرفته و اقدامات وی در روز کودتا، خلاف ادعای او را اثبات نموده‌اند. چنانچه گفته میشود وی در روز کودتا با روزولت نیز ملاقاتی داشته است، هر چند تا ظهر روز کودتا در زندان به سر میبرد؛ اما بعد از آزادی از زندان و در دیدار با روزولت به وی وعده میدهد که قادر است سیصد تا چهار صد نفر از نوع خود را گرد آورد که قادر به انجام هر کار و دستوری در ازای مزد خوب باشند. گفته میشود پس از این توافق، روزولت یک پاکت بزرگ پول به او میدهد و قرار میگذارد پس از پیروزی بقیه‌اش را هم بپردازد شعبان نیز فوراً به جنوب شهر رفت تا امثال خود را جمع کند. ۱ با این حال با اقدامات شعبان و دار و دستهای بسیاری از اتفاقات کودتا به نفع شاه و کودتاچیان رقم میخورد و شعبان به پاس خدمات و تلاشهای خود در کودتا پادشاهی از پادشاه دریافت میکند. اما نقش شعبان تنها به روز حادثه ختم نشد و وی که خود را یکی از وفاداران صدیق شاه میدانست با تشکیل جمعیتی موسوم به جوانان جانباز،

قول خدمت و یاری بیشتر به شاه را داد. از این رو وی بعد از کودتا نیز با برخی کنشهای سیاسی تلاش نمود وفاداری خود را به شاه و دربار ثابت نماید. برخی از این کنش ها در ادامه مورد توجه قرار می گیرد.

وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

در جریان وقایع ۱۳۴۲ که منجر به بازداشت امام (ره) و به دنبال آن تظاهرات مردم گردید، جعفری با جمعیت خود یعنی جوانان جانباز به خیابانها ریختند و با ایجاد رعب و وحشت بر مردم تاختند. «در این روز شعبان بی مخ مأموریت یافت که چاقوکشانش را به صورت دستهای سینهزن به میان تظاهر کنندگان بفرستد و با عنوان جاوید شاه به آنان حملهور گردد.»^۲ البته جعفری در مصاحبه با هما سرشار با اذعان به نقش خود در این قیام، روایت متفاوتی از این ماجرا نقل میکند. او با اشاره به سوخته شدن باشگاه ورزشیاش که در ازای خدماتش در کودتا از شاه دریافت نموده بود، میگوید که فردای روز قیام ۱۵ خرداد صد تا صد و پنجاه نفر از جمعیت جوانان جانباز را در سی جیب نشانده و به همراه آنان در میدان شاه حاضر شدند.^۳ وی در ادامه صحبتهای خود و در پاسخ به سؤال خانم سرشار مبنی بر اینکه آیا وی به چند آخوند در مسجد نیز حمله برده و به کتک کاری آنها پرداخته نیز پاسخ مثبت داده و آن را تصدیق میکند.^۴ به طور کلی رابطه شعبان با شاه بعد از کودتا رابطهای بسیار نزدیک بود. شعبان که خود را از مریدان شاه میدانست با هر کسی که مخالف شاه و رژیم بود با اختیار تام و کامل و گاه با دستور مقامات مقابله میکرد. در این رابطه حاج علی انسانی، مداح و یکی از مخالفین سیاسی رژیم شاه در بخشی از خاطرات خود در رابطه با این موضوع میگوید که در ۴ آبان سال ۱۳۴۴ همزمان با سالگرد تولد شاه به عنوان قهرمان ورزش باستانی توسط شعبان به فسیتوال دعوت میشود تا در آنجا نزد شاه چرخ بزند. او میگوید که از آنجا که بالاجبار به مراسم دعوت بود از این کار طفره میبرد و با بهانه بیمار بودن در میان تماشاگران پنهان میشود؛ اما یکی از دوستان شعبان او را یافته و قضیه را به شعبان اطلاع میدهد. انسانی در ادامه میگوید دو هفته بعد از مراسم توسط شعبان به محل کارش احضار میشود و شعبان در اتاقی در بسته شروع به کتک کاری او میکند و سرانجام با وساطت یک نفر و عذرخواهی، ماجرا پایان مییابد. البته علاوه بر این مدتی نیز از هر گونه فعالیت ورزشی محروم می گردد.^۵

جعفر شعبانی با خدماتی که گاه به دستور دربار و گاه خودسرانه برای شاه و رژیم انجام میداد توانست موقعیت خود را نیز تا حدی تغییر دهد. شاید دریافت امتیاز تأسیس باشگاهی ورزشی که ساخت آن حدود سه سال طول کشید و شاه شخصاً در مراسم افتتاح آن حضور داشت، به خوبی بیانگر رابطه دربار و جعفری باشد. شعبان در این رابطه میگوید: «از اعلی حضرت قول گرفتم برای افتتاحش بیان. گفتم: «اعلی حضرت اگه اینجا تموم شد باید حتماً خودتون بیاین افتتاح کنیم.» گفتن: «میام» بعد اعلی حضرت یه روز اومدن اونجا برای افتتاح»^۶ این موضوع به خوبی حکایت از اهمیت شعبان نزد شاه داشته تا جاییکه برای افتتاح باشگاهش در آنجا حضور مییابد. جعفری نیز در بسیاری از مراسمهای خاصی که توسط شاه و دربار ترتیب داده میشد امکان حضور مییافت. از جمله این مراسمها سالگردهای تولد شاه بود که گاه با ترتیب و اجرای نمایشهای خاص جعفری همراه میشد. با این حال جعفری تا پیروزی انقلاب به طور کلی در خدمت شاه بود و همواره نیز خود را دوستدار واقعی شاه میدانست. موضوعی که در کتاب هما سرشار چندین بار به آن اشاره شده است. در نهایت جعفری نیز بعد از انقلاب همانند بسیاری از همدیفان خود از کشور خارج

شد و مدتی را در اسرائیل و آلمان گذرانید و در نهایت هم در آمریکا سکنی گزید. وی در سال ۲۸ مرداد ۱۳۸۵ همزمان با سالگرد کودتای ۲۸ مرداد درگذشت.

*فهرست منابع

۱. محمود تفضلی، مصدق، نفت، کودتا، ترجمه محمود تفضلی، تهران مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲-۱۱۳

۲. سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۴۲

۳. هما سرشار، شعبان جعفری، لس‌آنجلس، نشر ناب، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ص ۲۷۹

۴. همان. ص ۲۸۱-۲۸۲

۵. گفتوگو با حاج علی انسانی، ماجرای کتک کاری حاج علی انسانی با شعبان بی‌مخ/مداحی که جلوی شاه چرخ نزد ،
۰۳/۰۶/۱۳۹۳ خبرگزاری فارس

۶. سرشار، همان، ص ۲۹۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۵۹۱۲/کودتا-جعفری-شعبان-های-فعالیت-نگاهی>